

Study and Explain OPEC-Based Energy Diplomacy: A Strategy or Obstacle for the Development of Iran's Oil Industry

Seyyed Abdollah Razavi

Assistant Professor of Energy Economics, Tehran Faculty of Petroleum,
Petroleum University of Technology, srazavi@put.ac.ir

Abstract

OPEC is one of the oldest influential organizations in the oil market, formed in the 1960s to regulate and balance the oil market. Also, the increasing dependence of countries on oil and gas resources has further strengthened the issue of energy security in the field of diplomacy. Iran, as a longtime member and founder of OPEC, has been trying to regulate the market with its major oil producers, members of the organization since its inception. In this regard, in recent years, various theories have been expressed about the efficiency of OPEC decisions and market power, and have raised serious doubts about the effectiveness of this organization. The present article uses a qualitative research method with a documentary analysis approach to answer the questions of what are the benefits and harms of Iran's continued membership in OPEC and also whether the use of OPEC-based oil diplomacy capacity by Iran is an effective strategy. Or can it be an obstacle to the development of production? The results of this article show that contrary to the opinion of a group of researchers that Iran's non-continuation of OPEC membership in order to remove barriers to production development and oil market share, the capacity of diplomacy based on this organization can expand market position and market share and oil sanctions. In addition, continued membership in the organization will not create restrictions on oil production. The findings show that the benefits of continued membership in OPEC include the relationship between the sanctioned countries in the form of OPEC diplomacy, recognition of Iranian oil alongside the OPEC oil basket

in the international market, training of specialized and influential Iranian experts, using OPEC capacity to counter Sanctions and seeking technical and economic cooperation in the field of oil for the country. OPEC's market power will increase significantly if extremist and moderate groups in OPEC act in a coordinated manner in making and implementing decisions.

Keywords: OPEC, Oil, Iran, Energy Diplomacy.

JEL Classification: F13, 21, N74, Q48.

بررسی ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی اوپک: تداوم عضویت راهبرد یا مانع توسعه‌ی صنعت نفت ایران

سید عبدالله رضوی

استادیار گروه مدیریت و اقتصاد انرژی، دانشکده نفت تهران، دانشگاه صنعت نفت
srazavi@put.ac.ir

چکیده

اوپک از قدیمی‌ترین سازمان‌های مؤثر در عرصه‌ی بازار نفت است که در دهه‌ی ۱۹۶۰ با هدف تنظیم و تعادل در بازار نفت شکل گرفت. از طرف دیگر، وابستگی روزافزون کشورها به منابع نفت و گاز، مسئله‌ی امنیت انرژی در عرصه‌ی دیپلماسی را بیش از پیش تقویت نموده است. کشور ایران به عنوان عضو قدیمی و مؤسس اوپک با تولیدکنندگان بزرگ نفتی عضو در این سازمان، درصدد تنظیم بازار از زمان تأسیس آن بوده‌اند. در سال‌های اخیر نظریات مختلفی مبنی بر کارایی تصمیمات و قدرت اوپک در بازار مطرح نموده و تردیدهای جدی در خصوص اثربخشی این سازمان ارائه کرده‌اند. مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل اسنادی درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که: «تداوم عضویت ایران در سازمان اوپک چه فواید و مضراتی برای کشور دارد؟» و «آیا استفاده از ظرفیت دیپلماسی نفتی مبتنی بر اوپک توسط کشور ایران راهبرد مؤثر است یا می‌تواند مانعی در راستای توسعه‌ی تولید به شمار آید؟» نتایج این مقاله نشان می‌دهد که برخلاف نظر گروهی از محققان، مبنی بر عدم تداوم عضویت کشور ایران در اوپک به منظور برداشتن موانع توسعه‌ی تولید و سهم بازار نفت این کشور، ظرفیت دیپلماسی مبتنی بر این سازمان می‌تواند جایگاه و سهم بازار را گسترش داده و تحریم‌های نفتی را کم‌اثر نماید. علاوه بر این تداوم عضویت در سازمان مذکور، محدودیتی در تولید نفت ایجاد نخواهد کرد. همچنین فواید تداوم عضویت در اوپک، ارتباط کشورهای تحریم شده در قالب دیپلماسی اوپکی، شناخته شدن نفت ایران در کنار سید نفتی اوپک در بازار بین‌المللی، تربیت کارشناسان ایرانی متخصص و تأثیرگذار، استفاده از ظرفیت اوپک

برای مقابله با تحریم‌ها و به دنبال داشتن همکاری فنی و اقتصادی در حوزه‌ی نفت برای کشور است. در صورتی که گروه‌های تندرو و میانه‌رو در اوپک در اتخاذ و اعمال تصمیمات به صورت هماهنگ و هم‌افزا عمل کنند، قدرت بازاری اوپک افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد.

واژگان کلیدی: سازمان اوپک، نفت، عضویت ایران، دیپلماسی انرژی.

طبقه‌بندی JEL: F13, 21, N74, Q48

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۴۰، بهار ۱۴۰۱، صص ۶۵-۱۰۲

مقدمه

انرژی به عنوان یک اهرم بسیار کلیدی برای تولیدکنندگان آن در جهان بوده است به طوری که مصرف‌کنندگان بزرگ برای توسعه هیچ راه‌گزینی برای کاهش وابستگی به آن طی چند دهه‌ی آینده ندارد (Cornelius & Story, ۲۰۰۷). کشور ایران به دلیل داشتن حجم بسیار عظیمی از سوخت‌های فسیلی، همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی و واقع‌شدن در کانون تولید ۷۵ درصد انرژی جهان و عضویت در سازمان اوپک و برخورداری از موقعیت حمل و نقل بی‌نظیر و ممتاز، باید نقشی مهم و اساسی را در تعاملات اقتصادی کشورهای این منطقه ایفا کند. وابستگی روزافزون کشورها به منابع انرژی، باعث تقویت جایگاه امنیت انرژی در عرصه‌ی سیاسی و دیپلماتیک شده و رقابت‌های بین‌المللی بر سر دسترسی به این منابع را تشدید کرده است. کشور ایران به واسطه‌ی عضویت و همکاری با تولیدکنندگان بزرگ نفتی در سازمان اوپک و با در دست داشتن منابع غنی نفت و گاز که در حقیقت مزیت نسبی این کشور محسوب می‌شود، یکی از تأمین‌کنندگان انرژی کشورهای جهان محسوب می‌شود. حال با توجه به اینکه همکاری‌های اقتصادی منجر به وابستگی متقابل اقتصادی بین کشورها می‌شود و این وابستگی به نوعی یک همگرایی سیاسی را در پی خواهد داشت؛ امروزه کشورها با بهره‌مندی از دیپلماسی انرژی تلاش می‌کنند تا حد امکان بدون استفاده از زور، منافع و امنیت، انرژی خود را در این عرصه تأمین کنند. قابلیت‌های فنی، حرفه‌ای، فناوری و اقتصادی ایران

به‌گونه‌ای است که می‌تواند در اقتصاد انرژی جهانی، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید (Larson, ۲۰۰۲).

اوپک^۱ یکی از سازمان‌های قدیمی نفتی در سطح بین‌الملل در جهان است که در راستای مقابله با سیاست‌ها و حاکمیت شرکت‌های بزرگ نفتی هفت‌خواهران به دلیل تسلط آنها بر تمام زنجیره‌ی نفت، به پیشنهاد ونزوئلا در سال ۱۳۳۹ در جلسه‌ی بغداد با حضور کشورهای تولیدکننده‌ی نفت شامل ایران، عربستان، ونزوئلا، کویت و عراق تأسیس گردید. این سازمان بین دولت‌های متشکل از کشورهای الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا و کنگو شکل گرفته و مقر آن ابتدا در شهر ژنو در کشور سوئیس و سپس در سال ۱۳۴۴ به شهر وین در کشور اتریش تغییر کرد. هدف اصلی این سازمان مطابق اساسنامه‌ی آن ایجاد هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاست‌های نفت اعضا و تعیین بهترین راه برای تأمین منافع و طراحی شیوه‌هایی برای تضمین ثبات قیمت نفت در بازار نفت بین‌المللی به منظور از بین بردن نوسانات قیمتی نفت است. همچنین تشکیل سازمان اوپک در سال‌های اولیه‌ی شکل‌گیری آن (دهه ۱۹۶۰) با توجه به دارا بودن حجم زیاد ذخایر نفت و گاز جهان و نیاز رو به رشد کشورهای صنعتی، جایگاه تولیدکنندگان نفت جهان عضو این سازمان را نسبت به گذشته ارتقا داد. اوپک در سال‌های اولیه‌ی تأسیس با رویکرد تقویت همگرایی و وحدت نظر میان اعضا، زمینه را برای جلوگیری از افت شدید و ناگهانی قیمت نفت فراهم نمود. لازم به یادآوری است که شرکت‌های هفت‌خواهران، قبل از تشکیل اوپک به طور مصنوعی در صدد پایین نگه داشتن سطح قیمت بودند که با شکل‌گیری اوپک این سیاست تعدیل گردید. با فروپاشی نظام دوقطبی جهانی و حذف فشارهای ناشی از این نظام، با توجه به وابستگی کشورهای توسعه‌یافته به تولید نفت اعضا اوپک، به تدریج قدرت بازاری این سازمان افزایش یافته و این سازمان را تبدیل به وزنه‌های سیاسی قابل توجهی در نظام بین‌الملل نمود.

در این میان، در دهه‌های اخیر با توجه به ظهور بازیگران دیگری نظیر آژانس بین‌المللی انرژی، بورس‌های نفتی، تولیدکنندگان نفت شیل و ...، قدرت و نقش اوپک در بازار بین‌المللی نفت با چالش جدی مواجه شده است. در این ارتباط دیدگاه‌های

۱. Organization of the Petroleum Exporting Countries

مختلفی در خصوص قدرت اوپک در بازار شکل گرفت از جمله نظریاتی که مبتنی بر عدم کارایی آن در بازار و همچنین نظریاتی که همچنان برای این سازمان در کنار سایر بازیگران، قدرت قائل می‌شود. با در نظر داشتن مطالب فوق مسئله‌ی جدی و حائز اهمیت، پدیدار شدن تردید در خصوص تداوم عضویت ایران در اوپک با توجه به کاهش قدرت آن در بازارهای بین‌المللی و تضعیف جایگاه بازیگری در این خصوص است. پژوهش پیش رو در صدد پاسخ به این پرسش است که تداوم عضویت ایران در سازمان اوپک چه فواید و مضراتی برای کشور دارد و همچنین آیا استفاده از ظرفیت دیپلماسی نفتی مبتنی بر اوپک توسط کشور ایران راهبرد مؤثر است یا می‌تواند مانعی در راستای توسعه‌ی تولید به شمار آید؟

روش پژوهش کیفی است؛ مراجعه به داده‌های کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مقالات، اسناد و تحلیل‌های به روز و دست اول و در عین حال مستند و قابل وثوق مبنا قرار گرفته است. سازمان‌دهی پژوهش به این صورت است که ابتدا ذیل بخش اول مبانی نظری تحقیق بررسی می‌شود. سپس در بخش دوم اقدامات صورت گرفته به منظور کاهش قدرت تأثیرگذاری سازمان اوپک واکاوی می‌شود و در بخش سوم و چهارم دو بحث تنظیم‌گری اوپک در بازار نفت از طریق ظرفیت‌های مازاد تولید و اوپک پلاس زمینه‌ساز برگشت قدرت بازاری اوپک، کنکاش می‌شود. در بخش چهارم عوامل تضعیف‌کننده‌ی سازمان اوپک تشریح شده و در بخش‌های ششم و هفتم فواید و مضرات و منافع تداوم عضویت کشور در سازمان مذکور مورد مذاقه و امعان نظر قرار می‌گیرد.

۱. مبانی نظری

الگوی رفتاری سازمان اوپک از دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط محققان و اقتصاددانان مختلف مورد بحث قرار گرفته است. بیشتر نظریه‌هایی که رفتار اوپک را توضیح می‌دهند بر کارتل بودن اوپک تمرکز دارند. در این الگو، کارتل بنگاهی مسلط بر بازار نفت و قیمت‌گذار است. سایر بنگاه‌های تولیدکننده در بازار نفت، تولیدکنندگان حاشیه‌ای و قیمت‌پذیرند. کارتل، با توجه به منافع خود، قیمت مناسب را انتخاب می‌کند و عکس‌العمل گروه حاشیه‌ای نسبت به قیمت تعیین شده را در نظر می‌گیرد. کارتل، قیمتی را انتخاب می‌کند که با توجه به عکس‌العمل تولیدی گروه حاشیه‌ای، منافعش را به حداکثر برساند. واکنش تولیدی گروه حاشیه‌ای منوط به قیمت‌های مورد انتظار آنهاست؛ بنابراین تخصیص تولید بین گروه حاشیه‌ای و کارتل در بازار

نفت بستگی به روشی دارد که قیمت‌های مورد انتظار شکل می‌گیرند (همتی، ۱۳۷۴).

نظریه کارتل بودن اوپک، طی دهه ۱۹۷۰، نظریه‌ی غالب بود. تفکر کارتلی بودن اوپک بعد از افزایش شدید قیمت نفت مطرح شد و قوت گرفت. قدرت اوپک در تعیین قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ نظریه کارتلی بودن بازار نفت را بیش از سایر الگوها توجیه می‌کرد (Colgan, 2014: 602). امروزه اوپک را می‌توان به عنوان یک باشگاه سیاسی درک کرد که منافع دیپلماتیک و سایر منافع سیاسی را برای اعضای خود ایجاد می‌کند و شهرت آن به عنوان کارتل، منبع جدایی‌ناپذیر قدرت سیاسی این سازمان است. با این حال در سال ۱۹۷۳، همه‌ی سیگنال‌های قابل مشاهده، حاکی از آن بود که اوپک یک کارتل است. در این سال قیمت نفت افزایش یافت. اعضای اوپک کاهش صادرات نفت را با یکدیگر هماهنگ کردند و برخی از مشتریان خود را تحریم کردند. اوپک به صراحت ادعا کرد که یک کارتل است و اعضای آن با یکدیگر همکاری می‌کنند.

به هر حال حوادث دهه ۱۹۸۰ در بازار نفت و شکل‌گیری رفتار تولید و قیمت نفت، تفکر کارتلی بودن بازار نفت را به شدت تضعیف کرد. در اواخر این دهه، به خوبی آشکار شد که اوپک تعیین‌کننده‌ی قیمت نفت نیست بلکه اوپک رفتاری کاملاً عکس‌العملی به خود گرفته است و اعضای اوپک به کمتر چیزی که توجه می‌کنند، حداکثر کردن منافع جمعی خود است. تحت چنین شرایطی این سؤال مطرح شد که آیا اوپک به مثابه‌ی یک کارتل به معنای هماهنگ کردن تولید برای دستکاری قیمت‌ها، عمل می‌کند؟ پاسخ به این سؤال تقریباً به طور قطع منفی بود؛ چرا که عربستان می‌تواند (و ظاهراً تصمیم می‌گیرد) تولید خود را بدون هماهنگی معنادار با دیگر اعضا محدود کند؛ دقیقاً همان کاری که یک شریک پر قدرت ممکن است در یک بازار نیمه انحصاری انجام دهد. در نهایت این فرض ارائه شد که اوپک تولید را به نحو هماهنگ و معنادار تسهیل نمی‌کند و در بهترین حالت یک باشگاه سیاسی است تا اینکه یک کارتل فعال باشد. اخیراً محققان به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها در مورد اثربخشی اوپک اشاره کرده‌اند. برای مثال برموند و دیگران دریافتند که اوپک در اکثر

دوره‌ها قیمت‌پذیر^۱ است نه اینکه تعیین‌کننده‌ی قیمت^۲ باشد (D. Colgan, ۲۰۱۴:۶۰۲).

الگوی دیگری که تلاش می‌کند تا وجود رفتار کارتلی در بازار نفت را در مقطع ۱۹۷۳-۱۹۷۴ رد کند، الگوی حق مالکیت است. به عقیده‌ی طرفداران حق مالکیت، کارتل بودن اوپک علت اصلی کاهش میزان تولید در اوایل دهه ۱۹۷۰ نیست، بلکه انتقال مالکیت از شرکت‌های نفتی به کشورهای میزبان دلیل عمده‌ی آن است. بر اساس این دیدگاه، قبل از سال ۱۹۷۳، شرکت‌های نفتی به علت داشتن نرخ تنزیل بالاتر به سرعت در حال استخراج و فروش بودند و این امر موجب پایین آمدن قیمت نفت می‌شد؛ کاهش شدید تولید و صادرات نفت ایران، در اواخر سال ۱۹۷۸ و در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و هجوم شرکت‌های نفتی برای خرید و انبار کردن نفت، به خاطر نام‌شخص بودن آینده‌ی عرضه نفت، موجب شد که دومین ضربه‌ی نفتی وارد شود. سیر صعودی قیمت نفت در سال ۱۹۷۹ و سپس در سال ۱۹۸۰، به خاطر شروع جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، نشان داد که بازار نفت و قیمت آن تحت تأثیر عواملی فراتر از انتقال حق مالکیت است و تلاش کشورهای هماهنگ با آمریکا و غرب در اوپک، برای معتدل کردن قیمت نفت در جهت کاهش، به ویژه در دهه ۱۹۸۰ نشان داد که صرف وجود حق مالکیت بر چاه‌های نفت نمی‌تواند عامل کاهش تولید و ارائه قیمت بالاتر باشد (جمشیدی رودباری، ۱۳۸۷).

از طرف دیگر، در سال‌های قبل از ۱۹۷۳، اعتراض کشورهای نظیر ایران و عراق به شرکت‌های نفتی این بود که چرا تولید کم است و آنها درخواست می‌کردند که میزان تولید نفت از حد قرارداد بیشتر شود. شرکت‌های نفتی، علی‌رغم علاقه‌ای که به استخراج سریع داشتند، به خوبی می‌دانستند که تولید و عرضه‌ی زیاد، به علت محدودیت تقاضا، موجب سقوط قیمت‌ها می‌شود. این امر بیش از همه به شرکت‌های نفتی لطمه وارد می‌ساخت؛ حتی در سال ۱۹۷۲، دولت عراق به شرکت نفت عراق معترض شد که چرا به میزان بیشتر استخراج نمی‌کند و از آن پس عراق ظرفیت تولید خود را از ۱٫۷ میلیون بشکه در روز به ۴ میلیون بشکه در روز رساند. در فاصله سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۵۰، دولت‌ها همواره از شرکت‌های نفتی درخواست افزایش میزان تولید را داشتند.

۱-price taker

۲-price setter

افزایش قیمت نفت و کاهش نیازهای درآمدی کشورهای عضو اوپک بر اساس نظریه هدف درآمدی، در دهه ۱۹۷۰، اعتبار بیشتری داشت. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، بر اساس این نظریه، کشورهای اوپک که دارای نیازهای سرمایه‌گذاری محدودی هستند با افزایش قیمت نفت، نسبت به کاهش عرضه اقدام می‌کنند: اولاً این الگو به علت اینکه سرمایه‌گذاری خارجی را همچون جایگزینی برای منابع مالی داخلی نادیده می‌گیرد، قدری غیر واقعی است. ثانیاً در عمل، کشورهای عضو اوپک تولید خود را کمتر به درآمد مورد نیاز برای نیازهای سرمایه‌گذاری محدود کرده‌اند. تأمین درآمد مورد نیاز برای طرح‌های سرمایه‌گذاری نقش تعیین‌کننده در میزان تولید آنها داشته است؛ اما تصمیم‌گیری در مورد تولید صرفاً بر پایه نیازهای سرمایه‌گذاری داخلی نبوده است. افزایش حجم ذخایر ارزی و سرمایه‌گذاری آن در بانک‌های خارجی بخشی از هدف‌های کشورهای مهم عضو اوپک، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود و داشتن ذخایر ارزی بیشتر، به مثابه‌ی قدرتی سیاسی — اقتصادی، بر حفظ ذخایر در زیر زمین اهمیت بیشتری داشت. از سال ۱۹۸۵ به بعد، برخی از اعضای اوپک، به ویژه عربستان سعودی، بیش از حد ظرفیت جذب بازار، نفت عرضه می‌کنند. این کار صرفاً برای افزایش درآمد نیست بلکه از یک طرف، برای فشار وارد کردن بر برخی دیگر از اعضای اوپک و از طرف دیگر، کمک به اقتصاد کشورهای صنعتی غرب از طریق تعدیل قیمت نفت است. در کنار این مسئله، کاهش تولید و عرضه‌ی عربستان در فاصله زمانی ۱۹۸۵-۱۹۸۲ یعنی هنگامی که قیمت حقیقی نفت سیر نزولی داشت نیز از اهمیت برخوردار است (خلعتبری، ۱۳۷۳: ۳۰۵).

۲. مروری بر اقدامات صورت گرفته به منظور تضعیف سازمان اوپک

با رویکرد تقویت بورس های نفتی

با توجه به نیاز قدرت‌های بزرگ برای رشد و توسعه، نیاز مبرم به نفت و گاز اعضای اوپک و همچنین تقویت جایگاه اوپک در بازار و به تبع آن رشد قیمت نفت آژانس بین‌المللی انرژی به منظور مقابله با اوپک شکل گرفت. از این دوره به بعد نقش اوپک در بازارهای بین‌المللی با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بود و مشکلات عدیده‌ای برای رسیدن به همگرایی و وحدت رویه در آن به وجود آمد. آژانس بین‌المللی انرژی در راستای تضعیف قدرت اوپک در دهه ۱۹۹۰ درصد سیاست‌های

مدیریت تقاضای نفت و صرفه‌جویی در مصرف نفت (کاهش شدت انرژی)، برنامه‌های ذیل را در اولویت قرار داد:

- متنوع سازی انرژی مصرفی توسط کشورها.
- تأکید بر مسائل زیست‌محیطی و کاهش رشد تقاضای نفت به دلیل مسائل زیست‌محیطی.
- سیاست‌گذاری برای کاهش هزینه‌های تولید نفت در کشورهای غیر عضو اوپک.
- توسعه‌ی بازار بورس نفتی (بازار کاغذی).
- سیاست اعمال مالیات بر مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی.

اولین بازار رسمی بورس در سال ۱۸۷۰ در آمریکا و سپس در کانادا شکل گرفت و در هتلی نزدیک ایستگاه راه‌آهن در شهر تی‌تاس‌ویل تأسیس گردید و بعداً به نیویورک منتقل شد. بازار بورس نایمکس در سال ۱۸۷۲ و معاملات اقلام کشاورزی و طلا مبادله می‌شد تا اینکه در سال ۱۹۷۸ معاملات نفتی (قرارداد فیوچرز فرآورده‌های نفتی) نیز در آن صورت گرفت. انواع مبادلات نفتی در این بازار به صورت فروش تک محموله (فوری) و فروش معمولی (ده روز) بود. اولین قرارداد فیوچرز نفت خام وست تگزاس اینترمدیت در ایالت اکلاهما در ماه مارس ۱۹۸۳ بود. در اواخر سال ۱۹۸۶ قراردادهای آپشن نفت نیز صورت گرفت. مبادلات پیش‌خرید و پیش‌فروش نفت بازارهای بورس نفت به منظور جلوگیری از ریسک ناشی از افزایش ناگهانی قیمت برای مصرف‌کنندگان بود و کارکردهایی را در بازار ایفا می‌نمود و تا حدودی توانسته بود قدرت اوپک به عنوان یک بازیگر اصلی در تنظیم قیمت نفت را کاهش دهد (۱۲۷: ۲۰۱۴، Rabinson). کارکردهای مذکور عبارتند از:

- کاهش ریسک معاملات نفتی.
- انعطاف‌پذیری و توسعه تجارت.
- تسهیل مبادلات نفتی برای شرکت‌ها.
- ایجاد شفافیت قیمت‌های نفت در بازارهای بین‌المللی.
- تثبیت و جلوگیری از شوک‌های ناگهانی در قیمت‌ها (دلیل آن وجود تیک قیمتی).

بورس‌های نفتی توسط هیئت مدیره‌ای متشکل از اعضای منتخب بازار، اداره می‌شود. در حال حاضر مهم‌ترین بازارهای بورس نفت جهان نایمکس نیویورک، آیس لندن، سایمکس سنگاپور و بورس دوی می‌باشد. پس از شکل‌گیری و تقویت

بورس های نفتی، وقوع منازعات و حوادث مختلف در بسـ یاری از کشور های تولیدکننده ی نفت نظیر وقوع جنگ در لیبی و قطع نفت خام لیبی از بازار در سال ۲۰۱۱ افزایش قیمت نفت خام به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه را به دنبال داشت که این امر سبب شد که تولید نفت شیل نسبت به تولید نفت خام از منابع متعارف بسیار گران تر بود، نفت شیل هم دارای صرفه ی اقتصادی گردیده و هزینه ی تحقیق و توسعه افزایش یافته و موجب کاهش هزینه ی تولید این نوع نفت خام گردید. بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا تولید نفت شیل خود را متناسب با سطح قیمت ها افزایش داده و تبدیل به یکی از بازیگران اصلی بازار نفت شده و سهم بازار برخی از کشورهای عضو اوپک نظیر ایران و ونزوئلا را از آن خود نمود. در اینجا بود که بسـ یاری تحلیل گران و صاحب نظران معتقد به پایان بازیگری اوپک در بازار نفت گردیدند. حتی این تحلیلگران در کشور ایران با ارائه نظرات قبلی خود مبنی بر عدم کارایی اوپک سعی در سازمان دهی اذهان تصمیم گیران این حوزه برای خروج این کشور از اوپک در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ داشتند؛ چرا که از یک سو اختلاف نظر میان اعضا برای اتخاذ تصمیم و اجماع برای کاهش حجم تولید نفت و از سوی دیگر درآمدهای نفتی این کشورها به دلیل افت شدید قیمت، کاهش زیادی را تجربه نمود. در این شرایط بود که برخی دیگر بازیگران بازار نفت نظیر روسیه (غیر عضو سازمان مذکور)، اقدام به برگزاری جلسات با اعضای اصلی اوپک نظیر عربستان، ایران، ونزوئلا و ... به منظور ایجاد اجماع برای کاهش حجم تولید نفت برای تعدیل قیمت نفت کردند. از این زمان (نوامبر ۲۰۱۶) بود که اوپک پلاس متشکل از اجماع کشورهای عضو اوپک و کشورهای غیر عضو این سازمان به رهبری روسیه برای کاهش حجم تولید نفت به میزان جمعیاً ۱/۸ میلیون بشکه در روز شکل گرفت. بر این اساس مجدداً اوپک پلاس جایگاه خود را در بازار تقویت نمود.

قانون نه به کارتل های تولیدکننده و صادرکننده ی نفت^۱ موسوم به نوپک، یک لایحه ی کنگره ی ایالات متحده است که ابتدا در سال ۲۰۰۰ برای حذف مصونیت دولتی از شرکت های ملی نفت (NOCs) کشورهای عضو اوپک ارائه شد. هدف این لایحه این است که وزارت دادگستری ایالات متحده را قادر سازد تا تحت قانون ضد انحصار ایالات متحده جهت تلاش های ضد رقابتی برای محدود کردن عرضه ی نفت و

۱- The No Oil Producing and Exporting Cartels Act (NOPEC)

تأثیر آن بر قیمت نفت^۱ اقدام قضایی انجام دهد. با این وجود شرکت‌های ملی نفت در حال حاضر از مفاد قانون مصونیت دولت‌های خارجی^۲ در صورت فعالیت تجاری مستثنا هستند. نسخه‌های مختلفی از این لایحه حدود ۲۰ سال است که در کنگره آمریکا مطرح و مورد بحث قرار گرفته است، اما این لایحه هرگز به قانون تبدیل نشده است (Kapsarc, 2021).

چارلز گراسلی^۳ سناتور آمریکایی و عضو کمیته قضایی سنای ایالات متحده آمریکا بر این باور است که: «اوپک تقریباً ۸۲ درصد از ذخایر اثبات شده نفت را کنترل می‌کند. وقتی کشورهای عضو اوپک و ۱۰ کشور غیر عضو کنار هم قرار می‌گیرند اوپک پلاس را تشکیل می‌دهند و ۹۰ درصد از ذخایر نفت اثبات شده را کنترل می‌کنند. اوپک در وبسایت خود اعلام می‌کند که مأموریتش هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاست‌های نفتی کشورهای عضو اوپک و تضمین ثبات بازارهای نفت است. این تعریف رفتار ضد رقابتی و تبانی و وزارت نفت این کشورها است. دادگستری باید ابزارهای موجود برای مبارزه با این اقداماتی را داشته باشد که به آمریکایی‌ها آسیب می‌رساند» (Charles, 2021).

۳. تنظیم گری اوپک در بازار نفت از طریق ظرفیت‌های مازاد تولید

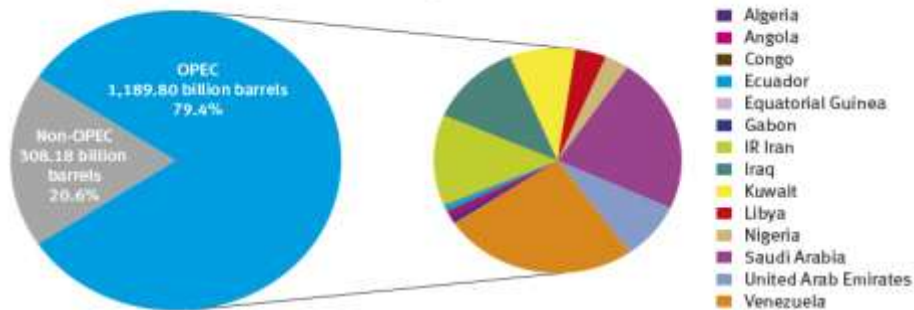
اعضای این سازمان، تولید نفت بیش از مصرف داخلی داشته و صادرکننده‌ی خالص نفت هستند. بر این اساس با تصمیمات اتخاذی در اجلاس اوپک بر مبنای شرایط بازار از لحاظ عرضه و تقاضای نفت به صورت رصد کوتاه‌مدت و بلندمدت آن و با بررسی میزان تولید نفت این گروه از تولیدکنندگان، مشخص می‌شود که کشورهای عضو اوپک ذخایر نفت حدود ۷۹/۴ درصد جهان را دارا می‌باشند (OPEC Annual Statistical Bulletin, 2019). در نمودار شماره (۱) سهم تولیدکنندگان از ذخایر نفت نشان داده شده است:

۱- anti-competitive attempts to limit the supply of petroleum and its impact on oil prices

۲- Foreign Sovereign Immunities Act

۳- Charles E. Grassley

OPEC share of world crude oil reserves, 2018



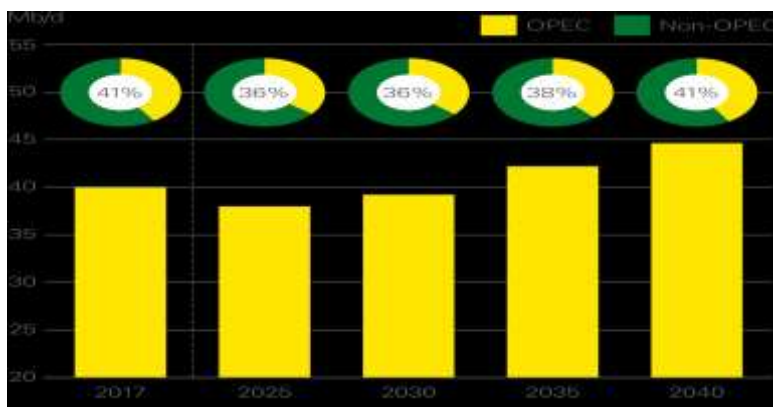
OPEC proven crude oil reserves, at end 2018 (billion barrels, OPEC share)

Venezuela	302.81	25.5%	Kuwait	101.50	8.5%	Algeria	12.20	1.0%	Gabon	2.00	0.2%
Saudi Arabia	267.03	22.4%	UAE	97.60	8.2%	Ecuador	8.27	0.7%	Equatorial Guinea	1.10	0.1%
IR Iran	155.60	13.1%	Libya	48.36	4.1%	Angola	8.16	0.7%			
Iraq	145.02	12.2%	Nigeria	36.97	3.1%	Congo	2.98	0.3%			

نمودار (۱): میزان ذخایر نفت اوپک در جهان

(Source: https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/۳۳۰.htm, ۲۰۱۹)

اوپک در سال ۱۹۸۶ برای کنترل قیمت‌ها به برقراری سهمیه‌بندی ۳۰ درصدی اقدام کرد. پس از شوک دوم (در جریان شوک نفتی در سال ۱۹۷۹) به دلیل سیاست‌های کسب صرفه اقتصادی به دلیل قیمت بالای نفت و اقتصادی شدن، بهره‌گیری از برخی انرژی‌های جایگزین سبب کاهش جذب عرضه در بازار توجیه اقتصادی پیدا نمود و در نتیجه کشورها تولید خود را کاهش دادند. عرضه نفت جهان با لحاظ وضعیت کنونی تقاضا در سال ۲۰۴۰ به میزان ۴۰ درصد به منابع اوپک وابسته است. مطابق برآوردهای مؤسسات انرژی از جمله بلومبرگ این میزان وابستگی به منابع اوپک دارای روند باثباتی می‌باشد (OPEC Annual Statistical Bulletin, ۲۰۱۹). نمودار شماره (۲) روند وابستگی به منابع نفتی اوپک را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد:



نمودار (۲) میزان وابستگی مصرف‌کنندگان جهان به نفت اوپک

(Source: Bloomberg, ۲۰۲۱)

۴. اوپک پلاس، زمینه‌ساز برگشت قدرت بازاری اوپک

اوپک پلاس متشکل از کشورهای تولیدکننده نفت عضو و غیر عضو اوپک بوده که درصدد ایفای نقش در بازار جهانی برای تعدیل قیمت هستند. در این ارتباط ۱۰ کشور روسیه، مکزیک، جمهوری آذربایجان، بحرین، سودان، سودان جنوبی، مالزی و عمان تولیدکننده نفت به رهبری روسیه در کنار اعضای اوپک برای تنظیم بازار و کنترل قیمت، اوپک پلاس را شکل داده‌اند. اعضای فعلی کشورهای اوپک، الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان، امارات متحده عربی، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا و کنگو می‌باشند. در این راستا در اجلاس نوامبر ۲۰۱۶ توافق برای کاهش حجم تولید نفت برای تعدیل مازاد عرضه نفت و رسیدن آن به میانگین پنج سال قبل برای مدت شش ماه از ابتدای سال ۲۰۱۷ حاصل گردید. توافق اوپک و غیر اوپک برای کاهش ۱/۸ میلیون بشکه در روز از تولید خود، تأثیر مثبتی بر قیمت‌های نفت گذاشت. در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۶ قیمت سبد نفت اوپک ۴۳/۸۷ دلار در بشکه بود که طی مدت کوتاهی قیمت‌ها به بالای ۵۰ دلار در بشکه رسید (جعفری، ۱۳۹۶: ۲۴). هر اخباری مبنی بر تمدید و عدم تمدید یا به عبارت دیگر گمانه‌زنی در مورد توافق مذکور موجب ایجاد نوسان در بازار می‌شود (گزارش ماهانه اوپک، ۲۰۱۷). نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد که گمانه‌زنی‌ها در خصوص توافق کاهش حجم تولید

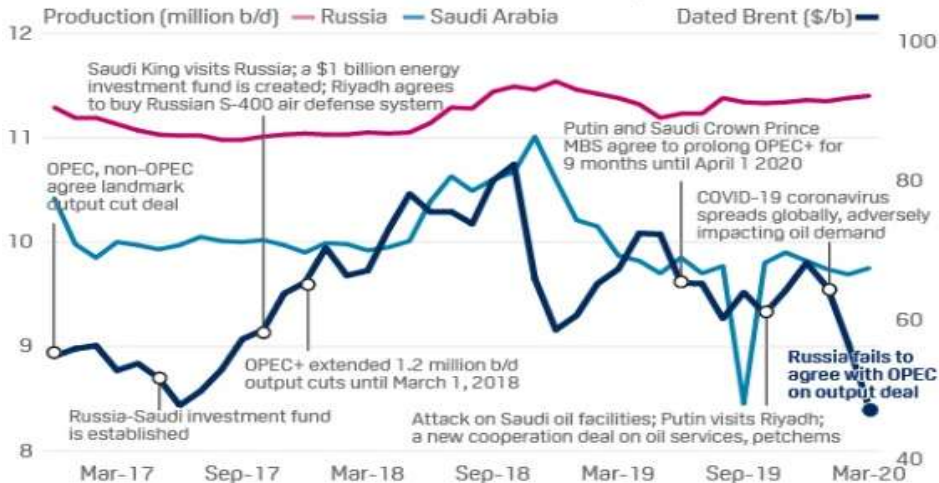
نفت، تولید و قیمت نفت را در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ در ابتدای توافقات اوپک پلاس تحت تأثیر قرار داده است:



نمودار (۳): تأثیر تشکیل اوپک پلاس بر قیمت نفت شاخص
 (Source: Energy Information Administration, ۲۰۱۹)

یکی از عوامل مؤثر در کاهش قدرت اوپک پلاس، واگرایی و اختلافات میان اعضای این سازمان می‌باشد. برای نمونه می‌توان به تشدید اختلافات عربستان و روسیه (رهبران گروه اوپک پلاس) بر سر مدیریت عرضه نفت ائتلاف اوپک پلاس برای تعدیل کاهش حجم تولید نفت اشاره نمود. دو کشور پیش رو در زمینه‌ی توافق مذکور (عربستان و روسیه) بار دیگر در نشست گروه اوپک پلاس، با دیدگاه‌های متفاوت از یکدیگر در مورد نحوه‌ی مدیریت عرضه نفت به بازار، مواجه خواهند شد. عربستان معتقد است که تولیدکنندگان نفت باید بسیار محتاط باشند زیرا هنوز وضعیت بازار بسیار نامشخص است. عربستان از طریق کاهش بیشتر تولید خود با توجه به تقاضای ضعیف نفت در خارج از آسیا به میزان ۱ میلیون بشکه در روز برای ماه‌های فوریه و مارس سال ۲۰۲۰ به تلاش‌های گروه اوپک پلاس جهت بهبود بازار نفت در سه‌ماهه‌ی اول سال جاری کمک نموده است (Energy Information Administration, ۲۰۲۱:۱). کاهش بیشتر تولید توسط عربستان، یکی از عواملی است که در هفته‌های اخیر از افزایش قیمت نفت حمایت کرده است. تحلیلگران معتقدند که بیشتر اعضای گروه اوپک پلاس به ویژه روسیه، احتمالاً با ادامه‌ی کاهش

تولید، مخالفت خواهند کرد. این درگیری موجب گردید که آنها به مدت یک ماه توافق اوپک پلاس را زیر پا بگذارند (Kumar, ۲۰۲۰: ۲۴).



نمودار (۴): روسیه و عربستان؛ از روابط دوستانه تا جدایی
(Source: Reuters, ۲۰۲۰).

۵. عوامل تضعیف کننده ی اوپک

۱ - ۵. دسته بندی های موجود، عامل تضعیف قدرت اوپک

سازمان های سیاسی و اقتصادی با گذشت زمان و به دنبال پدیدار شدن شرایط جدید و شکل گیری روندها و رویدادهای نوظهور ممکن است از آرمان ها و اهداف اولیه ی خود عبور کنند و متعاقب آن برخی جناح بندی و یارگیری های درون سازمانی، جلوه نمایی کند. قدرت چانه زنی یک سازمان و توانایی آن در نیل به اهداف مطروحه، منوط به وحدت رویه و حرکت هماهنگ و هم افزا در طول مسیر است. بروز چندگانگی در حیطه ی نظر و عمل به صورت جدی، اهداف برنامه ریزی شده و چشم انداز مطلوب را برای اعضای واحدهای اقتصادی و سیاسی دور از دسترس می سازد. بایستی اشاره داشت که موفقیت سازمان های بزرگ به واسطه ی وجود رقبای دیرینه و در عین حال قدرتمند، پیوند تنگاتنگی با حرکت جمعی و اقدام مشترک دارد. در غیر این صورت چنانچه هر کدام از اعضا به صورت منفرد اقدام کنند، هم فلسفه ی وجودی سازمان و اهداف آن با چالش بنیادین مواجه می شود و هم

اینکه هزینه‌ی عمل منفردانه آنها دو چندان می‌شود. از آنجا که بسیاری از رقبای بیرونی، عملاً موفقیت خود را در بستری پیگیری می‌کنند که پیش‌ران آن وقوع چنددستگی در اوپک باشد، اهمیت چنین گزاره‌ای برای سازمان اقتصادی اوپک مضاعف می‌گردد.

عملکرد اوپک به عواملی نظیر همگونی و هماهنگی مواضع سیاسی و اهداف میان اعضا بستگی دارد به طوری که در سال‌های اخیر خواسته‌های ناهمگون، همواره به عنوان بزرگترین مشکل این سازمان در اتخاذ تصمیمات منطقی از منظر اقتصادی بوده است. لذا عدم یکپارچگی و دودستگی در پاره‌ای از موارد، موجب تضعیف جایگاه سازمان مذکور و عدم کارایی تصمیمات آن می‌گردد. از این رو، اعضای اوپک را در دو گروه می‌توان مورد بررسی قرار داد که موفقیت نسبی هریک از آنها در همراه کردن سایر اعضا با خود، بازار نفت را تحت تأثیر قرار داده است: گروه اول به رهبری عربستان در سال ۱۹۸۵، سیاست سهم عادلانه بازار را مطرح کردند و استدلال کردند که نباید به بهای از دست دادن سهم خود در بازار جهانی از قیمت نفت دفاع کرد؛ زیرا با افزایش تولید نفت اوپک، قیمت نفت کاهش می‌یابد و با ارزان شدن آن سیاست‌های صرفه‌جویی و جایگزینی انرژی در کشورهای مصرف‌کننده‌ی نفت متوقف می‌شود و در بلندمدت تقاضا برای نفت اوپک افزایش می‌یابد. در مقابل، گروه متشکل از ایران، لیبی و الجزایر عقیده داشتند با افزایش تولید نفت، قیمت‌ها با نرخ سریع‌تری کاهش می‌یابند و درآمد اعضای اوپک در مجموع کاهش خواهد یافت. همچنین کشورهای غیر اوپک با وضع مالیات‌های سنگین اجازه نمی‌دهند که کاهش قیمت‌های جهانی نفت به مصرف‌کننده‌ی نهایی انتقال یابد و سیاست‌های صرفه‌جویی ادامه خواهد یافت و لذا سیاست جایگزینی انرژی نفت به عنوان یک سیاست راهبردی با کاهش قیمت نفت متوقف نمی‌شود. کشورهای عضو اوپک بر اساس رویکردهای سیاسی نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول به رهبری عربستان سعودی شامل کشورهای کویت و امارات متحده عربی که از درآمد سرانه‌ی بالا و ذخایر اثبات شده‌ی قابل توجهی برخوردارند؛ این کشورها طرفدار افزایش عرضه‌ی کل نفت در جهت تلاش برای تعدیل قیمت‌ها و حفظ تقاضای بلندمدت هستند. گروه دوم شامل کشورهای ایران، الجزایر، نیجریه و ونزوئلا است که معتقدند اوپک باید کل تولیداتش را به نفع افزایش سریع قیمت‌ها محدود نماید. اعضای این گروه، ذخایر کم یا جمعیت زیاد یا هر دو ویژگی را با هم دارند و منافع درآمدي خود را در افزایش

قیمت نفت می‌دانند. بر این مبنا می‌توان عربستان را مهمترین "کبوتر" و ایران را مهمترین "باز" اوپک تلقی نمود (میرترابی، ۱۳۹۳: ۲۴۳).

۲-۵. عدم پایبندی تولیدکنندگان به تعهدات

موفقیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌الملل که قصد دستیابی به منافع بیشتر از رهگذر عمل جمعی و مشترک را دارند، علاوه بر کنار هم قرار دادن تعدادی از اعضا، مستلزم ملزم جهت‌دهی اعضا به سمت عمل دقیق، مستمر و به موقع به مرام‌نامه و دستورالعمل‌ها است. تخطی، عمل مقطعی و ناکافی به تعهدات توسط هر کدام از اعضا، چالشی محوری به شمار می‌آید که سازمان‌ها را برای رسیدن به منافع خود، ناکام می‌گذارد. تخطی یک عضو از تعهدات، قابلیت این را دارد که برای دیگر اعضا نیز تبدیل به یک رویه شود و هر زمان که منافع آنها اقتضا کند یا منافع آنها تهدید شود از عمل به تعهدات جمعی پرهیز کنند و منافع مقطعی خود را بر منافع کل سازمان، اولویت و ترجیح بدهند. هرچند تلاش‌های جدی برای جلوگیری از مستولی شدن چنین وضعیتی در سازمان اوپک انجام شده است، با این وجود در برخی مواقع با چنین مسئله و چالشی مواجه بوده است. لازم به ذکر است که پایبندی مستمر تولیدکنندگان اوپک پلاس به توافق کاهش حجم تولید، عاملی برای تقویت بازار و شکل‌گیری انتظارات مثبت در بازار است. بدیهی است در صورت عدم پایبندی به اجرای توافق کاهش حجم تولید، دست‌اندرکاران و مصرف‌کنندگان نسبت به ایجاد تغییر در ساختار بازار بدبینی ایجاد نموده و افت شدید قیمت را تجربه می‌کنند.

مطابق نمودار شماره (۵) میزان پایبندی اعضا در زمینه‌ی طرح کاهش تولید نفت در برخی از ماه‌ها به طور کامل اجرا می‌شود و در برخی از ماه‌ها کمتر از تعهد قبلی اجرا می‌شود. برای نمونه عراق، نیجریه و ... به دلایل مختلف از جمله نیاز شدید به درآمدهای نفتی برخی از ماه‌ها به تعهد خود در خصوص کاهش حجم تولید نفت پایبند نیستند (Worldoil, ۲۰۲۰). این در صورتی است که این شاخص در ماه ژانویه ۱۰۳ در صد بوده که از میزان پایبندی در ماه دسامبر بالاتر می‌باشد. در دسامبر ۲۰۲۰ میزان پایبندی کلی ائتلاف اوپک پلاس با توجه به اصلاحات اولیه، ۱۰۱ درصد بوده است. این سطح از پایبندی باعث تقویت انجام تعهدات توسط کشورهای عضو می‌شود. در ژانویه ۲۰۲۱ میزان پایبندی ده عضو اوپک به توافق کاهش تولید ۱۰۸ درصد بوده است در حالی که میزان پایبندی گروه تولیدکنندگان غیر اوپک به رهبری روسیه در ماه ژانویه ۹۵ درصد بوده که در مقایسه با ۹۳ درصد در ماه

دسامبر، بالاتر می‌باشد. همان‌طور که در نمودار شماره (۵) مشاهده می‌گردد، میزان پایبندی اوپک پلاس در ماه ژانویه، ۱۰۴ درصد بوده که شامل پایبندی ۱۱۰ درصدی ده عضو پیمان اوپک و پایبندی ۹۵ درصدی تولیدکنندگان غیر اوپک می‌باشد. هدف روسیه به عنوان بزرگترین تولیدکننده غیر اوپک، رساندن میزان پایبندی به ۱۰۰ درصد می‌باشد. شایان ذکر است فقط روسیه و قزاقستان دو عضو گروه اوپک پلاس بودند که اجازه‌ی افزایش تولید ۶۵ هزار بشکه در روز در ماه مارس و فوریه سال ۲۰۲۱ را پیدا کردند. در حالی که دیگر اعضا، تولید خود را ثابت نگه داشته و عربستان نیز در ماه جاری و ماه آینده، یک میلیون بشکه در روز فراتر از سهمیه‌ی خود، میزان تولید را کاهش داده است. میزان پایبندی به توافق کاهش تولید، هفته‌ی آینده قبل از نشست ماهیانه وزرا توسط گروه اوپک پلاس دوباره بررسی خواهد شد و انتظار می‌رود در مورد نحوه‌ی پیشبرد مدیریت عرضه‌ی نفت خام از ماه آوریل به بعد تصمیم‌گیری شود. لازم به ذکر است عربستان سعودی و روسیه، رهبران اتحادیه اوپک پلاس با توجه به افزایش قیمت نفت خام در سال جاری بار دیگر بر سر سیاست‌های تولید نفت خام اختلاف نظر دارند (Oilprice، ۲۰۲۰). نمودار شماره (۵) نشانگر میزان پایبندی هر یک از اعضای اوپک پلاس به تعهدات خود است:



نمودار (۵) میزان پایبندی اعضای اوپک پلاس به توافق کاهش حجم تولید
(Source: JBC Energy, ۲۰۲۰)

این در صورتی است که جنگ میان کشور روسیه (به عنوان یکی از بازیگران اصلی حوزه‌ی نفت و گاز در جهان) با اکراین در سال ۲۰۲۲ و به تبع آن تحریم غرب علیه‌ی تجارت نفت کشور روسیه، نگرانی‌ها از کمبود عرضه‌ی نفت را تشدید کرده است به طوری که قیمت نفت، سطوح بالاتر از صد دلار در هر بشکه را تجربه نموده است. از طرفی جنگ اخیر، قدرت بازاری و سیاسی سازمان را با توجه به جایگاه تولید نفت افزایش داده است.

۳ - ۵. فقدان مکانیسم تنبیهی

نبود ساز و کار جدی برای رصد مستمر اقدامات کشورهای عضو و وجود رکنی که ماهیت الزام‌آور بودن آن، اعضای سازمان‌ها را به اجرای دقیق تعهدات و منشور سازمان ملزم سازد، مانع اساسی در عدم موفقیت و شکست سازمان‌ها به شمار می‌آید. این مسئله باعث می‌شود که کشورهای عضو در عرصه‌ی عمل بعضاً خودمحمور باشند. خودمحموری که نه همیشه بلکه در شرایط حساس و مواقع بحرانی رؤیت می‌شود. اساساً وجود قوانین تنبیهی عملیاتی در سازمان‌ها ضرورت پیدا می‌کند. به عنوان نمونه هنگامی که یک عضو سازمان، اقدامات ساختار شکنانه‌ای و به اصطلاح ضد آیین‌نامه‌ای و در جهت خلاف منشور و طرح‌های راهبردی انجام دهد، بایستی از برخی مزایای سازمان، محروم شود.

سازمان اوپک به صورت تاریخی به دلیل ملاحظات حقوقی و تجارت بین‌الملل و برای جلوگیری از متهم شدن به انحصارگرایی در بازار از اتخاذ مکانیسم تنبیهی خودداری کرده است، به طوری که برخی از دست‌اندرکاران، عدم وجود چنین مکانیسمی را عامل ناکارآمدی اوپک دانسته‌اند. اگرچه در نشست دهم اوپک پلاس از واژه‌ی جبران به عنوان نوعی تنبیه برای کشورهایی که به کاهش تولید وعده داده شده‌ی خود، پایبند نبودند استفاده شد اما به دلیل عدم وجود یک مکانیسم اجرایی معتبر این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند و این مشکل عدم پایبندی و تخطی از تصمیمات اوپک همچنان با این سازمان خواهد ماند. تحت چنین شرایطی، ناظران و تحلیل‌گران اقتصادی بر این باورند که چنانچه اعضا به صورت ادواری به منشور و آیین‌نامه‌ی

سازمان عمل کنند و خلاف منافع جمعی سازمان و در راستای منافع منفردانه‌ی خود کنشگری نمایند، سازمان، فلسفه‌ی وجودی خود را از دست می‌دهد.

۴ - ۵. تقویت و گسترش بورس‌های نفتی

به دلیل وابستگی زیاد کشورهای غربی به تأمین سوخت‌های فسیلی به ویژه نفت و گاز از کشورهای دیگر همواره این نگرانی وجود داشته است که در صورت وقوع بحران و تنش میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی برای آنها به وجود می‌آید. به ویژه اینکه گروه تولیدکنندگان در بحران نفتی ۱۹۷۳ به صورت آشکار این موضوع را منعکس ساختند که در صورت وحدت و وجود شرایط ویژه، قادر خواهند بود منافع مصرف‌کنندگان را با مخاطره‌ی جدی رو به رو سازند. همین مسائل باعث شد تا بورس‌های نفتی با تمرکز بر پوشش ریسک ناشی از نوسانات قیمت نفتی دهه ۱۹۸۰ شکل گرفتند. ادغام شرکت‌های بزرگ نفتی، تغییر بنیادین در ساز و کار شکل‌گیری قیمت رقابتی شدن بازار و گسترش معاملات نفتی از جمله تغییرات ساختاری است که بورس‌های نفتی ایجاد نموده‌اند.

ایجاد شفافیت و انعطاف‌پذیری در بازار موجب از بین رفتن ساختار انحصاری و نقش کارتلی و قدرت اوپک شده است. بورس‌ها تا حدودی فضای روانی بازار و ریسک‌های ناشی از تصمیمات اوپک را مدیریت می‌کنند. فلسفه‌ی وجودی چنین بورس‌هایی در وهله‌ی اول مقابله با پدیده‌ی انحصارطلبی بازیگران برجسته تولیدکننده‌ی انرژی و به صورت ویژه اعضای سازمان اوپک بوده است و در گام بعدی سعی می‌کنند فضای رقابتی جدی در این حوزه شکل بگیرد. این بورس‌ها نگاه جدی نیز به شکل‌گیری فضای تنش و چنددستگی در درون سازمان اوپک دارند. به همین خاطر است که همواره با اعضای سازمان وارد قراردادهای دوجانبه و چندجانبه‌ای شده‌اند، همچنین با ارائه‌ی برخی مشوق‌ها سعی در ایجاد تفرقه‌های ریشه‌ای و در عین حال پایدار بین اعضا دارند.

۵ - ۵. رشد تولید نفت شیل کشورهای غیر عضو اوپک

سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت، روسیه و چند کشور دیگر تولیدکننده‌ی نفت توافق کردند که تولید خود را از سال ۲۰۱۷ محدود کنند تا با این کار بازار و قیمت نفت را تثبیت کنند. روسیه موافقت کرد که تولید خود را ۳۰۰ هزار بشکه در روز به نسبت سطح تولید اکتبر ۲۰۱۶ کاهش دهد و این کاهش‌ها را به تدریج انجام

می‌دهد و تا پایان آوریل ۲۰۱۷ به صورت کامل به سطح مورد توافق برای کاهش می‌رسد. اوپک نیز عموماً از کاهش تولید توافق شده‌ی خود پیروی کرد و در ماه می ۲۰۱۷، کشورهای اوپک و کشورهای غیر اوپک ملاقات کردند و توافق کردند که کاهش تولید را تا پایان ماه مارس ۲۰۱۸ تمدید کنند. (گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده پیرامون روسیه، ۲۰۱۷). در راستای تصمیم اوپک در نوامبر سال ۲۰۱۶ مبنی بر کاهش حجم تولید نفت مطابق توافق با کشورهای غیر عضو اوپک به رهبری روسیه و به تبع آن رشد قیمت نفت، تولید نفت شیل آمریکا افزایش یافت. تصمیم اوپک پلاس از لحاظ عملکردی توانست موجب تغییر ساختار بازار و رشد قیمت گردد در حالی که بیشترین استفاده را نفت شیل آمریکا از این موقعیت برده است.

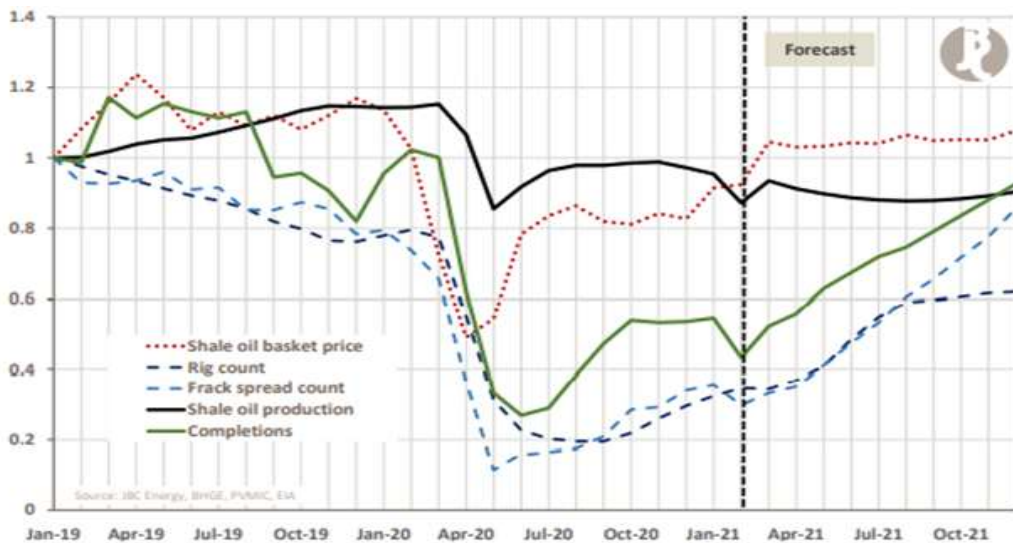
تولید نفت شیل^۱ آمریکا از سال ۲۰۱۱ به شدت افزایش یافته است و اکنون از نظر سهم بازار، با روسیه و عربستان سعودی رقابت می‌کند. با این حال، تولیدکنندگان عمده‌ی نفت و به ویژه اعضای سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت (اوپک) در تطبیق سیاست‌های تولید خود، کند بوده‌اند. نفت شیل عامل جدید کلیدی است که بر ساختار بازار نفت و تصمیمات اوپک برای ثبات قیمت یا کسب سهم مناسب از بازار تأثیر می‌گذارد (Alonso and Di Nino, ۲۰۱۷: ۵۷). علت ظهور انقلاب شیل به چند دهه قبل برمی‌گردد که میادین نفتی واقع در خشکی آمریکا رو به کاهش تولید گذاشت؛ بر این اساس آمریکا به این واقعیت پی برد که با ایستی کاری انجام دهد یا منتظر زوال و نابودی خویش باشد. شرکت‌های نفتی بزرگ در آمریکا با توجه به افزایش شدید قیمت گاز، ناچار به منابع شیلی روی آوردند که این عملیات در چاه‌های غیر تولیدی قبلی انجام پذیرفت (بشری، ۱۳۹۶: ۹۶). لازم به ذکر است که ممنوعیت صادرات نفت آمریکا در دسامبر سال ۲۰۱۵ برداشته شد.

رشد قیمت نفت در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ موجب گسترش صنعت نفت شیل با توجه به سرمایه‌گذاری بر روی تحقیق و توسعه شد و تولید نفت شیل آمریکا مقرون به صرفه گردید. بر این اساس صادرات نفت این کشور، برای فروش نفت بیشتر و تصاحب سهم کشورهای عضو اوپک، در بازار قوت گرفت. در این راستا دولت ترامپ با برداشتن کلیه محدودیت‌ها نظیر مالیات و تعرفه‌های زیست‌محیطی

۱-oil shale

به رشد شتابان نفت شیل و کاهش هزینه‌ی تولید آن نسبت به تولید نفت از منابع متعارف نقش بسزایی داشت.

آمریکا مخالف سیاست‌های اوپک برای تعیین قیمت نفت بوده است و همیشه تلاش داشته نقش اوپک را در بازار جهانی انرژی کاهش دهد. افزایش تولید نفت این کشور (به ویژه نفت شیل) قدرت اوپک را در آینده با چالش جدی مواجه خواهد ساخت. با این وجود نمی‌توان این فرض را نیز از نظر دور داشت که تولید نفت کشورهای عضو اوپک، هزینه‌های کم دارد و تولید و توسعه‌ی صنعت نفت شیل آمریکا مستلزم صرف هزینه‌های بالا است (Behar and Ritz, ۲۰۱۶: ۶). در نمودار شماره (۶) شاخص تولید نفت شیل آمریکا به همراه سبد قیمتی و پیش‌بینی روند صعودی رشد تولید نفت شیل در سال ۲۰۲۱ ملاحظه می‌گردد:



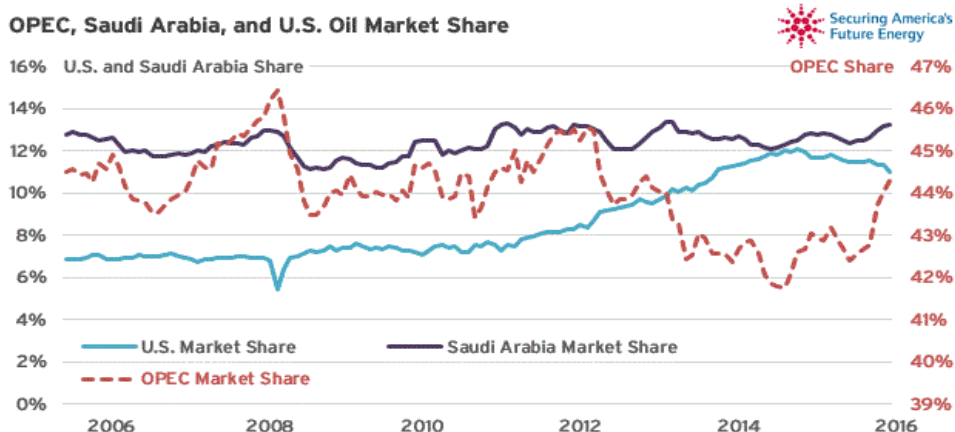
نمودار (۶): روند تعداد دکل‌های حفاری فعال نفت شیل

(Source: JBC Energy, ۲۰۲۰)

۵-۶. استراتژی تقابل مصرف‌کنندگان بزرگ با اوپک و اوپک پلاس

رهبران و مدیران شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده به موازات اینکه دغدغه‌ی زیادی در خصوص امنیت عرضه‌ی انرژی دارند، همواره نگرانی جدی پیرامون هزینه و قیمت انرژی وارداتی دارند. هرچند رونق اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده با استمرار واردات سوخت، ارتباط دارد اما قیمت بالای انرژی در مسیر

میزان سودآوری پیش‌بینی شده، چالش مهمی است. تأمین سوخت با قیمت بالا و گران، میزان سودسازی صنایع تولیدی کشورهای مصرف‌کننده را تنزل می‌بخشد و حتی ممکن است فعالیت و صرفه‌ی اقتصادی آنها را با تردید مواجه کند. در سال‌های اخیر، مصرف‌کنندگان بزرگ به دلایل مختلف از جمله انتقاد به رشد قیمت ناشی از تصمیمات اوپک و یا تصاحب سهم بازار اعضای سازمان مزبور، سیاست‌های مقابله با این سازمان را اتخاذ نموده‌اند. برای نمونه، تصاحب سهم بازار نفت ایران و ونزوئلا از اعضای اوپک از طریق تحریم توسط آمریکا از این موارد بوده است (آمریکا، واردکننده‌ی خالص نفت بوده اما به دلیل داشتن نقش در بازار نفت، اقدام به صادرات نفت در سال‌های گذشته نموده است). نمودار شماره (۷) نشانگر روند سهم بازار اوپک، عربستان سعودی و آمریکا می‌باشد:



Note: Data represents share of total global production.
Source: SAFE analysis based on data from EIA.

نمودار (۷): روند سهم بازار اوپک، عربستان و آمریکا

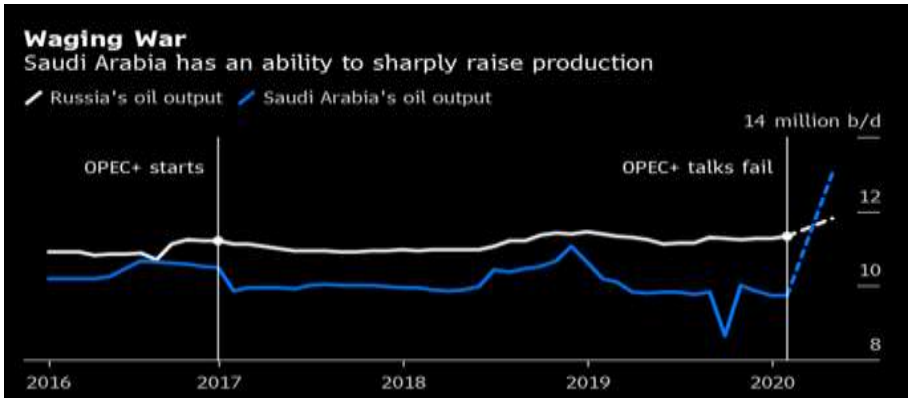
(Source: Security America's Future Energy, ۲۰۲۰)

به علاوه، اخیراً هند به عنوان کشور دارای رتبه‌ی سوم (میان بزرگترین مصرف‌کنندگان نفت جهان)، بروز تغییرات زیاد در توافق اوپک‌پلاس را عامل چشم‌انداز مبهم بازار و قیمت نفت، جهت خرید محموله‌ها معرفی نموده و آن را سبب کاهش توجه سرمایه‌گذاران قلمداد کرده است. در این راستا، منافع هند با منافع تأمین‌کننده‌ی اصلی نفت خام در اوپک‌پلاس (عربستان) مغایرت داشته است؛ زیرا در حالی که اقتصاد آسیا به قیمت‌های پایین‌تر و خرید حجم بیشتری از نفت احتیاج دارد، اوپک، نیازمند قیمت‌های بالاتر است و میزان تولید خود را بر اساس آن تنظیم

می‌نماید. عمده‌ی عوامل محرک تقاضای نفت در آسیا در آینده، از سوی نیروگاه‌ها و همچنین واردات نفت چین رقم خواهد خورد. علاوه بر این، با پیوستن ایالات متحده به کشورهای صادرکننده‌ی نفت، رقابت در حال تشدید است و هند تا زمان مناسب شدن قیمت‌ها، می‌تواند نفت خود را از منابع متعددی تأمین نماید (Oilprice, ۲۰۲۱).

۷ - ۵. شیوع و تداوم بیماری همه‌گیر کرونا و تضعیف اوپک

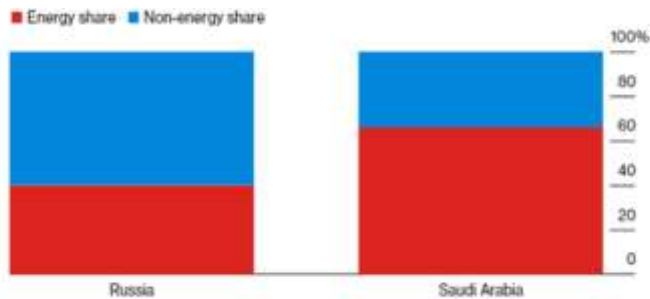
گسترش چشمگیر ویروس کرونا، از زمان شروع در چین تا تبدیل شدن آن به یک بیماری همه‌گیر جهانی در کمتر از سه ماه، دولت‌ها را مجبور به اتخاذ تدابیر شدید برای حفاظت از سلامت عمومی شهروندان کرده است. همه‌گیری این بیماری فقط یک بحران در حوزه‌ی بهداشت عمومی نیست بلکه بحرانی است که همه‌ی بخش‌های زندگی بشریت را تحت تأثیر قرار داده است. در حقیقت علاوه بر تلفاتی که ویروس کرونا (COVID-۱۹) بر مردم وارد کرده است، چشم‌انداز رشد اقتصادی را نیز کاهش داده و بازار نفت را نیز با تهدید جدی مواجه ساخته است. با شروع بیماری کرونا و تداوم آن، این فرض مطرح شد که رکود شدید فعالیت‌های اقتصادی و بخش حمل و نقل به طور خاص که دو سوم تقاضای جهانی نفت برای مصارف در این دو بخش می‌باشد، دور از انتظار نباشد (Algamdi and others, ۲۰۲۱: ۲). قیمت نفت در بازارهای جهانی در اوایل شیوع ویروس کرونا با توجه به عدم توافق کاهش حجم تولید نفت میان عربستان و روسیه برای ثبات در بازار جنگ قیمتی بین روسیه و عربستان و افزایش میزان تولید نفت از سوی این کشور بدون در نظر گرفتن کاهش شدید تقاضا، تحت فشار قرار گرفته است. روسیه و عربستان برای کاهش حجم تولید نفت و تمدید طرح کاهش حجم تولید نفت نتوانستند به توافق برسند (Aloui and Otjers, ۲۰۲۰: ۱۳). در نتیجه قدرت بازاری اوپک در این مقطع کوتاه به شدت تضعیف گردید.



نمودار (۸): روند تولید نفت روسیه و عربستان قبل و بعد از جنگ قیمتی

(Source: Bloomberg, ۲۰۲۰)

نمودار شماره (۸) جنگ قیمتی عربستان و روسیه در بازار نفت را نشان می‌دهد که بر اساس آن در صورت عدم وجود کرونا و افت شدید قیمت ناشی از آن، روند تولید نفت دو کشور احتمالاً رشد قابل توجهی را تجربه می‌نمود. اگرچه همانطور که در نمودار شماره (۹) ملاحظه می‌گردد، اگر جنگ قیمتی ادامه می‌یافت اقتصاد عربستان با توجه به وابستگی بیشتر به درآمدهای نفتی نسبت به روسیه زیان‌زیدتری را متحمل می‌گردید:



نمودار (۹): میزان وابستگی اقتصادهای روسیه و عربستان به نفت

(Source: Bloomberg, ۲۰۲۰)

از منظر دیگر، افت تقاضای نفت پالایشگاه‌ها به علت ویروس کرونا در جهان، ابزار عرضه‌ی نفت اوپک برای تنظیم‌گری بازار را به ویژه برای مصرف‌کنندگان بزرگ متأثر نمود و نقش اوپک در بازار با توجه به شرایط کمبود تقاضا به شدت کاهش یافت.

۶. دلایل مخالفین تداوم عضویت ایران در سازمان اوپک

گروهی از تحلیل‌گران مسائل انرژی، گزاره‌ها و قرائت‌های خاصی به منظور نهادینه سازی نظر خود در مورد آشکار سازی ناکارآمدی سازمان اوپک و ضرورت خروج ایران از آن مطرح می‌کنند. به باور آنها یک سازمان را باید با کارکرد میدانی و آورده اقتصادی آن مورد سنجش و ارزیابی قرار داد و چنانچه یک نهاد در انجام کارویژه‌ی ذاتی خود موفق نباشد، ادامه‌ی فعالیت کشورها در درون آن به منظور نیل به اهداف اقتصادی خود، محل تردید است. این گروه از اقتصاددانان معتقدند در حال حاضر، اوپک کارکرد سابق خود را از دست داده است؛ زیرا با توجه به اینکه تشکیل‌دهندگان اوپک مأموریت داشتند بازار نفت را تنظیم نموده و به ویژه عرضه‌ی نفت را در جهت تأمین منافع کشورهای تولیدکننده (در دهه ۱۹۶۰) در مقابل شرکت‌های تولیدکننده‌ی هفت‌خواهران (که تمام فرآیند از تولید تا توزیع نفت در بیشتر کشورهای جهان سومی را در اختیار داشته و تسلط کامل بر بازار نفت داشتند) تعدیل کنند اما ساختار و مأموریت اوپک متناسب با شرایط سیاسی و ساختار آن دوره شکل گرفته و متناسب با تغییرات صورت گرفته نیست. این سازمان در دهه‌ی هفتاد توانست موفقیت قابل توجهی در بازار نفت و ایجاد افزایش قیمت نفت (شوک اول نفت) در سال ۱۹۷۳ و (شوک دوم) در انتهای دهه ۱۹۷۰ در بازار بین‌المللی نفت کسب کند. این دوران، اوج قدرت اوپک بود. در این ارتباط رشد شدید قیمت نفت در این دهه که از ناحیه‌ی اوپک تلقی می‌گردید، اقتصاد کشورهای مصرف‌کننده را شدیداً متأثر نمود و ذهنیت یا فضای روانی منفی نسبت به اوپک در بازار ایجاد گردید. اوپک به عنوان یک کارتل مت‌شکل از تولیدکنندگان بزرگ نفتی برای افزایش قیمت نفت و تأمین منافع این کشورها دیده می‌شد که این امر در تضاد منافع مصرف‌کنندگان (عمدتاً شامل کشورهای توسعه‌یافته) بود. در این راستا مصرف‌کنندگان بزرگ اقدام به تشکیل سازمان همکاری توسعه‌ی اقتصادی نمودند و در بطن آن آژانس بین‌المللی انرژی در دهه ۱۹۸۰ برای مقابله با اوپک و طراحی سیاست‌گذاری‌های انرژی برای کنترل مصرف سوخت‌های فسیلی و بازار شکل گرفت. بدیهی است سیاست‌های آژانس بین‌المللی انرژی در راستای منافع طرف

تفاضاکنندگان انرژی می‌باشد. لذا این گروه از نظریه‌پردازان به دلیل مواردی که به آن‌ها اشاره گردید، عضویت در این سازمان را منطقی ارزیابی نمی‌کنند (رضوی، ۱۳۹۹: ۲۴۹).

گروه دیگر از نظریه‌پردازانی که با تداوم عضویت ایران در اوپک مخالفانند بر این باورند که خروج از اوپک با توجه به رشد ظرفیت تولید نفت ایران به بیش از پنج میلیون بشکه در روز و وجود محدودیت برای تولید در این سازمان، مانع حداکثرسازی درآمدهای نفتی کشور می‌باشد. لازم به ذکر است کشورهای عضو اوپک، سالانه حدود ۲ میلیون یورو را به عنوان حق عضویت به آن پرداخت می‌کنند. روی هم رفته دلایل عدم کارایی اوپک در رویکرد این گروه از کارشناسان مسائل اقتصادی عبارت‌اند از:

- شکل‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی و اقدامات آن در جهت عدم کارایی سازمان اوپک.
- عدم وجود مکان‌سیم تنبیهی برای اجرای تصمیمات و مصوبات اوپک برای اعضا.
- عدم همگرایی سیاسی و اقتصادی این کشورها با یکدیگر در مقابل مصرف‌کنندگان.

از منظر رویکرد سیاسی اعضای اوپک در قبال مسائل مختلف، اختلافات شدیدی وجود داشته است که این مسائل، راه همکاری‌های اقتصادی و حوزه‌ی نفتی اعضای این سازمان طی چند سال گذشته را بسته است. لذا تصمیمات و توافقات اوپک با توجه به عدم همگرایی آنها از کارایی لازم برخوردار نبوده است. در همین ارتباط می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- عدم اجماع اعضا اوپک در انتخاب دبیر کل این سازمان: اختلاف شدید سیاسی، رویکردهای مختلف با مصرف‌کنندگان و به ویژه کشورهای غربی در میان این دسته از تولیدکنندگان و مواضع متضاد در حوزه‌ی بازار نفت (سهم بازار و قیمت) در سال‌های اخیر موجب شد که برای سمت دبیر کلی اوپک فردی از کشور ایران انتخاب نشود. به طور کلی دو گروه یکی به رهبری ایران که بر روی قیمت نفت تمرکز داشته و لذا گروه دوم به رهبری عربستان بر روی سهم بازار تأکید دارند. لذا اختلاف این دو گروه موجب عدم اجماع بر دبیر کلی ایران در سال‌های بعد از انقلاب گردیده است.

- عدم اعتماد مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان اوپک برای تأمین نفت: مصرف‌کنندگان به منظور کم‌رنگ نمودن نقش اوپک در بازار، واردات نفت خود را عمدتاً از کشورهای غیر اوپک تأمین نموده و باقیمانده نیازهای خود را از اوپک وارد می‌نمایند زیرا از نظر مصرف‌کنندگان مسبب شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰، تولیدکنندگان اوپک بودند.
- مکانسیسم سهمیه‌بندی تولید در سازمان اوپک، مانع افزایش سهم بازار: مکانسیسم سهمیه‌بندی با توجه به ظرفیت مازاد تولید بسیاری از اعضای آن، محدودیت افزایش سهم بازار در سال‌های گذشته بوده است. لذا سهم بازار آن در سال گذشته در سطح نسبتاً ثابتی قرار گرفته است.
- عدم وجود کشورهای قدرتمند در میان اعضا در حوزه‌ی فناوری و اقتصادی: در میان اعضای اوپک عمدتاً کشورهای هستند که در وضعیت اقتصادی نامناسب و درجه‌ی تکنولوژی پایینی قرار دارند؛ بنابراین استفاده از ظرفیت اقتصادی و فناوری کشورهای عضو در صورت فرض همگرایی این کشورها سود قابل توجهی برای کشور به همراه نخواهد داشت.
- کاهش نقش اوپک در تعیین قیمت نفت در بازار جهانی: قدرت اوپک در قیمت‌گذاری به دلیل تغییر ساختار بازار نفت و عدم قابلیت کاربرد نظریه‌ی سنتی مبنی بر تعیین قیمت توسط عوامل بنیادین با واقعیت موجود و همچنین گسترش بازارهای مالی و مشتقات نفت (بورس نفت) کاهش پیدا کرده و تا حدودی مصرف‌کنندگان از طریق بورس‌های نفتی در تعیین قیمت مؤثر می‌باشند.

۷. موافقان تداوم عضویت ایران در سازمان اوپک

دسته دیگری از کارشناسان وجود دارند که با ارائه برخی دلایل و توجه به بازی‌های میدانی و تأثیراتی که سازمان اقتصادی اوپک در توسعه اقتصادی ایران ایفا می‌کند به شدت مخالف نظرات مخالفان تداوم عضویت ایران در اوپک هستند. به باور آنها در مقیاس جهانی دیپلماسی سازمانی و اقدام جمعی، منافع کشورها را به صورت حداکثری تأمین می‌کند و عمل سیاسی و کنشگری اقتصادی خارج از مجموعه‌های بین‌المللی با شکست و هزینه‌های هنگفت همراه است. این مسئله برای کشوری همانند ایران که با تحریم‌های هوشمند و فشار حداکثری مواجه است بیش

از پیش اهمیت دارد؛ چرا که قادر است با ارتباط و پیوند دو ستانه‌ی دیرینه‌ای که با برخی اعضای اوپک دارد آنها را با خود در راستای تأمین نیازهای ارزی و ضروری همراه سازد.

این گروه از تحلیل‌گران معتقدند علی‌رغم فاصله‌ی این سازمان از دوران اوج قدرت بازاری خود، همچنان در برخی از دوره‌هایی که قیمت نفت در مسیر نزولی قرار داشته و اقتصاد آنها که عمدتاً وابسته به درآمدهای نفتی است، به شدت کاهش یافته، توانسته است تا حدودی از شدت افت قیمت نفت جلوگیری نماید. در این راستا، پس از رشد قیمت نفت طی سال ۲۰۱۰ تا اواخر سال ۲۰۱۳ و نوسان آن در کانال ۱۰۰ دلار در هر بشکه، به دنبال اقتصادی شدن تولید نفت شیل به ویژه در آمریکا در این سطح قیمتی (هزینه‌ی تولید نفت شیل در سطح بالایی نسبت به نفت از منابع متعارف قرار داشته است) بازار با مازاد عرضه مواجه گردید. این مازاد عرضه‌ی نفت موجب شد که قیمت نفت، افت قابل ملاحظه‌ای بیابد و به ویژه اقتصاد کشورهای عضو اوپک که درآمدهای نفتی آنها تحت تأثیر کاهش قیمت نفت، آسیب‌پذیر شده بود، نسبت به سایر کشورها، آسیب بیشتری را متحمل شوند. در این شرایط بود که کشورهای عضو اوپک برای ایجاد اجماع، جهت کاهش حجم تولید نفت برای رشد قیمت نفت و بهبود درآمدهای نفت، بسیار تلاش کردند. در این ارتباط باز هم در وهله‌ی اول ناتوانی این تولیدکنندگان در ایجاد اجماع بر سر سهم کاهش تولید هر یک از آنها همچنان در کاهش قدرت بازاری این سازمان مؤثر بود. اختلاف اصلی میان ایران، عربستان، نیجریه و عراق، در خصوص کاهش سهم تولید نفت بود.

درخور توجه است که توسعه‌ی روابط کشورهای تحریمی در حوزه‌ی نفتی و مالی عضو اوپک نظیر ایران، ونزوئلا و لیبی و اوپک پلاس نظیر روسیه می‌تواند در بی‌اثر نمودن تحریم‌های نفتی بسیار اثربخش باشد. در این ارتباط شرکت نفت دولتی روسیه رزنفت یکی از شرکای اصلی خارجی شرکت پترولئوس^۱ ونزوئلا است. به دنبال وام‌های اخذ شده توسط ونزوئلا در سه ماهه‌ی چهارم سال ۲۰۱۶، شرکت پترولئوس حدود سه میلیارد دلار به رزنفت روسیه بدهکار شد که اقساط آن از طریق صادرات

نفت خام ونزوئلا به پالایشگاه نایارا^۱ در هند که متعلق به رزنت می‌باشد، پرداخت می‌گردد. (گزارش آرگوس، مارس ۲۰۱۹).

اگر اعضای اوپک از حذف دلار در فروش نفت استفاده نمایند، سبب عدم کارایی تحریم‌های مالی آمریکا خواهد شد. در این راستا، حذف دلار در فروش نفت و استفاده از ارز رایج کشور مقصد، یکی از روش‌های مقابله‌ی روسیه با آمریکا، مبادله‌ی نفت با چین و دریافت یوان و سپس تبدیل یوان به طلا در چین و انتقال به روسیه است و از این طریق دلار را در معاملات نفتی خود حذف کرده است. از سوی دیگر، سابقه‌ی طولانی همکاری شصت‌ساله‌ی کشور به عنوان مؤسس اوپک و قدرت و اعتبار کشور ایران در این سازمان، با توجه به ظرفیت ۸۰ درصدی ذخایر نفت و ۴۰ درصد تولید نفت خام جهان برخی از مسائل مربوط به تحریم‌ها را بی‌اثر نموده است گرچه کشور ایران در شرایط حاضر به دلیل تحریم آمریکا تولیدکننده‌ی مؤثر اوپک نیست؛ اما ایران هنوز با توجه به اعتبار ناشی از تأسیس سازمان مذکور، بر سیاست‌گذاری اعضای آن تأثیر دارد (رضوی و رسولی، ۱۳۹۷: ۱۶۲).

با در نظر داشت چنین تحلیل‌هایی می‌توان مزایای تداوم عضویت ایران در سازمان اقتصادی اوپک را به صورت ذیل برشمرد:

- حق عضویت نسبتاً کمتر در مقایسه با حق عضویت سایر مجموعه‌های بین‌المللی: حق عضویت ایران در اوپک حدود مبلغ دو میلیون یورو در هر سال است که نسبت به حق عضویت خیلی از سازمان‌ها بسیار کمتر است.
- شناخت نفت ایران به عنوان اوپک در بازار بین‌المللی: در بسیاری از نقاط جهان نام ایران و نفت آن را در کنار اوپک می‌آورند و این سازمان با توجه به اینکه به عنوان یک نهاد بین‌المللی ایفای نقش می‌کند، در شناساندن نفت ایران به بازار بسیار مؤثر بوده است. این گزاره یک مسئله‌ی اعتباری است. در حقیقت قائلان به چنین نگرشی استدلال می‌کنند ایران خارج از سازمان اوپک قادر به بازیگری در عرصه‌ی نفت نیست. به تعبیری خارج از سازمان اوپک، نفت ایران اعتبار چندانی در این بازار رقابتی ندارد.

- تربیت کارشناسان ایرانی متخصص و تأثیرگذار: اوپک به عنوان یک سازمان بین‌المللی هر سال تعدادی از نیروی انسانی متخصص کشورهای عضو را جذب و استخدام می‌نماید. بسیاری از افرادی که به اوپک معرفی می‌گردند افراد مؤثر در تصمیمات اتخاذی این سازمان هستند.
- استفاده از ظرفیت اوپک جهت مقابله با تحریم‌ها: اوپک دارای ماهیت سیاسی - اقتصادی و فعال در عرصه‌ی روابط بین‌الملل است. هر چند ممکن است بین اعضاء، به دلیل تفاوت در منافع، هماهنگی کاملی در کاهش و یا افزایش تولید وجود نداشته باشد اما تصمیمات این سازمان، به خاطر سهم قابل توجه آن در ذخایر و تولید جهانی نفت، پیامدهای انکارناپذیری چه در عرصه‌ی اقتصاد و چه در قلمروی سیاست بین‌الملل دارد. برخی از اعضای اوپک نظیر لیبی، ایران، ونزوئلا، عراق و ... به صورت یک‌جانبه از سوی آمریکا تحریم شده‌اند. این امر می‌تواند منتهی به شکل یک با شگاه تحریمی‌های نفت شود. اوپک همواره مخالف با تحریم‌های یک‌جانبه است. در سال‌های اخیر و با وضع تحریم‌های نفتی، بسیاری از مؤسسات تحلیلی و آماری شرکت‌های تابعه‌ی وزارت نفت، همکاری خود را با ایران قطع نمودند. در این میان، کانال‌های استفاده از ظرفیت اوپک موجب گردیده تا همواره از تحلیل‌های کارشناسی و آمار و اطلاعات بازار و سیاست‌های کشورهای مختلف بهره‌مند شویم. دسترسی به داده‌های تحریمی بازار نفت (پلاتس و...) از طریق کانال اوپک دور زده می‌شود.
- به دنبال داشتن همکاری فنی و اقتصادی در حوزه نفت برای کشور: عضویت در اوپک و داشتن اشتراکات سیاسی با کشورهای هدف در قالب روابط و اجلاس این سازمان می‌تواند همکاری‌های مشترک را برای کشور فراهم نماید. به عنوان مثال ارائه‌ی خدمات فنی و مهندسی و صادرات فرآورده‌های نفتی به ونزوئلا در قالب اوپک میسر گردید.

نتیجه‌گیری

عملکرد اوپک به عواملی نظیر همگونی و هماهنگی مواضع سیاسی و اهداف میان اعضا بستگی دارد، به طوری که در سال‌های اخیر خواست‌های ناهمگون همواره

به عنوان بزرگترین چالش این سازمان در اتخاذ تصمیمات منطقی از منظر اقتصادی بوده است. لذا عدم یکپارچگی و دودستگی در پاره‌ای از موارد موجب تضعیف جایگاه سازمان و عدم کارایی تصمیمات اتخاذ شده می‌گردد. مقاله‌ی حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که تداوم عضویت ایران در سازمان اوپک چه فواید و مضراتی برای کشور دارد و همچنین آیا استفاده از ظرفیت دیپلماسی نفتی مبتنی بر اوپک توسط کشور ایران راهبرد مؤثر است یا می‌تواند مانعی در راستای توسعه‌ی تولید به شمار آید؟ در این ارتباط اعضای اوپک را می‌توان در دو گروه مورد بررسی قرار داد که موفقیت نسبی هر یک از آنها در همراه کردن سایر اعضا با خود، بازار نفت را تحت تأثیر قرار داده است. در خصوص تداوم عضویت ایران در اوپک، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است؛ به طور کلی مخالفین تداوم عضویت در اوپک، مهم‌ترین دلیل خود را مربوط به تولید بیش از ۴ میلیون بشکه در روز می‌دانند و به دلیل وجود محدودیت سهمیه‌بندی در اوپک، مانع استفاده از این ظرفیت (ظرفیت تولید) خواهند شد. مکانسیم سهمیه‌بندی تولید در سازمان اوپک با توجه به ظرفیت مازاد تولید بسیاری از اعضای آن یک محدودیت در افزایش سهم بازار در سال‌های گذشته به حساب آمده است. لذا سهم بازار آن در سال گذشته در سطح نسبتاً ثابتی قرار گرفته است. در میان اعضای اوپک عمدتاً کشورهایی هستند که در وضعیت اقتصادی نامناسب و درجه‌ی تکنولوژی پایینی قرار دارند؛ بنابراین استفاده از ظرفیت اقتصادی و فناوری کشورهای عضو در صورت فرض همگرایی این کشورها سود قابل توجهی برای کشور نخواهد داشت. قدرت اوپک در قیمت‌گذاری به دلیل تغییر ساختار بازار نفت، عدم قابلیت کاربرد نظریه‌ی سنتی مبنی بر تعیین قیمت توسط عوامل بنیادین و همچنین گسترش بازارهای مالی و مشتقات نفت (بورس نفت) کاهش پیدا کرده و تا حدودی مصرف‌کنندگان از طریق بورس‌های نفتی در تعیین قیمت مؤثر می‌باشند.

طرفداران نظریه‌ی تداوم عضویت ایران در اوپک مبنی بر ارتباط کشورهای تحریم شده در قالب دیپلماسی اوپکی معتقدند، توسعه‌ی روابط کشورهای تحریمی در حوزه‌ی نفتی و مالی عضو اوپک نظیر ایران، ونزوئلا و لیبی و اوپک پلاس نظیر روسیه می‌تواند در بی‌اثر نمودن تحریم‌های نفتی بسیار اثربخش باشد. استفاده از ظرفیت اوپک برای مقابله با تحریم‌ها با توجه به ماهیت سیاسی - اقتصادی آن در عرصه‌ی روابط بین‌الملل علی‌رغم تفاوت در منافع و عدم هماهنگی، اثرات تصمیمات این سازمان تحریم‌ها را مدیریت کرده است. همچنین، نفت ایران به عنوان اوپک در بازار بین‌المللی شناخته می‌شود به طوری که در بسیاری از نقاط جهان نام ایران و

نفت آن را در کنار اوپک می‌آورند و این سازمان با توجه به اینکه به عنوان یک نهاد بین‌المللی ایفای نقش می‌کند، در شناساندن نفت ایران به بازار بسیار مؤثر بوده است. از دیگر فواید تداوم عضویت در سازمان مذکور تربیت کارشناسان ایرانی متخصص و تأثیرگذار است. عضویت در اوپک و تقویت اشتراکات سیاسی با کشورهای عضو با هدف ایجاد همکاری فنی و اقتصادی در حوزه‌ی نفت برای کشور در قالب روابط و اجلاس این سازمان، می‌تواند همکاری‌های مشترک فنی و تکنولوژیکی را برای کشور فراهم می‌نماید.

منابع

فارسی:

- احمدیان، مجید، ۱۳۷۸، نظریه قیمت در اقتصاد منابع تجدید پذیر انرژی و مواد، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- امامی میبدی، علی، ۱۳۸۵، «تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت نفت خام»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۸(۸)، ۱۰۷-۱۲۲.
- باقری، علی، ۱۳۹۰، «نقش اوپک در بازار آینده انرژی‌های متنوع»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۶(۴۶)، ۱-۱۸.
- بشری، علیرضا، ۱۳۹۶، «نقلاب نفتی شیل و تأثیر آن بر کاهش قیمت نفت و گاز»، نشریه زمین‌شناسی نفت ایران، ۴(۱۳)، ۹۵-۱۰۴.
- برومندجزی، شهرزاد، ۱۳۸۲، «عضویت ایران در اوپک: بودن یا نبودن». فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۴)، ۳۹-۶۶.
- خلعتبری، فیروزه، ۱۳۷۳، مبانی اقتصاد نفت، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، زهرا، ۱۳۹۶، گزارش معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن، «ماهنامه تحلیلی انرژی (۹)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۵۴۴۷.
- جمشیدی رودباری، مستانه، ۱۳۸۷، بررسی علل تطابق نیافتن مدل‌های اقتصادی رفتار اوپک در بلندمدت از دیدگاه تحولات بازار نفت و ویژگی‌های این سازمان، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۶(۴۷)، ۶۳-۲۵.
- رضوی، سیدعبداله، ۱۳۹۹، بازاریابی در شرکت‌های بزرگ نفتی، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- رضوی، سید عبدالله و رسولی امیرآبادی، مسعود، ۱۳۹۷، «بررسی راهبردهای نوین فروش نفت خام ایران با رویکرد ضد تحریمی»، فصلنامه راهبرد اقتصادی، ۷(۲۴)، ۱۷۶-۱۵۱.
- شاه بداغلو، فریبا و همکاران، ۱۳۹۹، «تأثیر بیانیه‌های سازمان اوپک بر نوسانات قیمت نفت خام»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۴(۴۹)، ۱۳۴-۱۱۹.
- شکاری، مهری، ۱۳۸۹، «تحلیل و بررسی جایگاه سازمان اوپک طی سال‌های آینده بر بازار نفت»، مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۰، ۳۶-۱۷.
- میرترابی، سعید، ۱۳۹۳، درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات قومس.
- همتی، عبدالناصر، ۱۳۷۴، اقتصاد نفت، چاپ اول، تهران: سروش.
- akshay (۲۰۲۰), "the oil war of ۲۰۲۰ between saudi arabia and russia", indian journal of asian affairs, ۳۳(۲), pp. ۲۴-۴۲.
- algamdi, abdelmageed and others (۲۰۲۱), "covid- ۱۹ deaths cases impact on oil prices: probable scenarios on saudi arabia economy", public health, ۹۶:۲۰۸۷۵. doi: ۱۰.۳۳۸۹/fpubh.۲۰۲۱.۶۲۰۸۷۵

- alonso,irma and di nino,virginia(۲۰۱۷), the oil market in the age of shale oil, ecb economic bulletin, issue ۸.
- aloui, donia and others (۲۰۲۰), "covid ۱۹'s impact on crude oil and natural gas s&p gs indexes",halshs-۰۲۶۱۳۲۸۰f.
- behar,alberto and ritz,robert (۲۰۱۷), "an analysis of opec's strategic actions, us shale growth and the ۲۰۱۴ oil price crash", international monetary fund, working paper /۱۶/۱۳۱.
- colgan, jeff (۲۰۱۴), "the emperor has no clothes: the limits of opec in the global oil market", international organization, ۶۸, pp. ۵۹۹-۶۳۲.
- Cornelius, P. and J. Story (۲۰۰۷), "China and Global Energy Markets", Orbis, ۵۱(۱), p.p۵-۲۰. DOI: <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.orbis.۲۰۰۶.۱۰.۰۰۲>
- e. grassley, charles(۲۰۲۱), "as oil prices surge, grassley seeks doj engagement on bipartisan nopec bill", Grassley, available at: <https://www.grassley.senate.gov/news/news-releases/as-oil-prices-surge-grassley-seeks-doj-engagement-on-bipartisan-nopec-bill>
- energy information administration(۲۰۲۱), "country analysis executive summary: saudi Arabia", available at: https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/saudi_arabia/saudi_arabia.pdf
- kapsarc(۲۰۲۱), "no oil producing and exporting cartels act – (nopec)", available at: <https://www.kapsarc.org/research/projects/no-oil-producing-and-exporting-cartels-act-nopec>.
- Larson,W, (۲۰۰۲), "Globalization, Societal Change, and New Technologies: What They Mean for the Future of Adolescence", Journal of Adolescence, ۱۲(۱), pp.۱-۳۰ .DOI: ۱۰.۱۱۱۱/۱۴۶۷-۸۶۲۴.۰۰۴۶۴ .
- Rabinson, M (۲۰۱۴), *Marketing Big Oil: Brand Lessons from the World's Largest Companies*, New York: Palgrave Macmillan. DOI: <https://doi.org/۱۰.۱۰۵۷/۹۷۸۱۱۳۷۳۸۸۰۷۰>.
- https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/۳۳۰.htm
- <https://www.theargus.co.uk/archive/۲۰۱۹/۰۵/۲۴/>
- <https://www.cnbc.com/۳۰/۰۳/۲۰۲۰/oil-falls-amid-saudi-arabia-russia-price-war-coronavirus-hits-demand.html>
- <https://www.worldoil.com/news/۲۰۲۰/۸/۷/opecplus-p pressures-iraq-to-take-deeper-cuts-as-non-compliance-continues>
- <https://oilprice.com/Energy/Crude-Oil/Saudi-Arabia-And-Russia-Fight-Bitter-Market-Share-Battle-In-Collapsing-Oil-Marke.html>
- <https://oilprice.com/Energy/General/What-Caused-The-Saudi-India-Oil-Rift.html>

- https://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/WOO_۲۰۱۹.pdf